

نویسنده: مسعود «ودان» (Masud Wadan).
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2018-02-08».
برگردان: پوهند وی دوکتور سیدحسام «مل» .

جمیعت آسیب دیده افغانستان: فراموش شدن جنبه های منفی جنگ افغانستان به رهبری ایالات متحده امریکا
Afghanistan's Traumatized population : the forgotten downsides of the US led Afghan War

اختلالات روانی و مهاجرت

Mental disorders and Migration



در جریان جنگ افغانستان برخی از انفجارهای انتحاری و حملات مسلحانه که صورت میگیرد اکثر مردم ناشی از همچو انفجارات درگیر وحشت، غم و اندوه و ترس شده که بعضی ها ناشی از آن محکوم بمرگ میشوند.

هر باریکه انفجار انتحاری صورت میگیرد و یک و یا چند نفر از همشهریان را به نیستی میکشاند و یا دهها نفر دیگر را مجروح و بعداً بکام مرگ فرو میبرد به (35) میلیون شهروند افغانستان آسیب میرساند. آسیبی که باوجود عدم شناخت از شخص و یا از اشخاص قربانی شده و اقارب نزدیک قربانی شدگان به نسبت درگذشت آنها متأسف و متاثر و اندوهگین میشوند بویژه آنهایکه از فرهنگ جنگ خسته شده اند.

در این کشور تقریباً همه افراد اعم از سالمندان و کودکان عادت کرده اند که توأم با غم و اندوه به تماشای سربریده ها و سرازتن جدا شدگان قربانیان انفجارات انتحاری میپردازند تعداد زیادی از مواردی را که رسانه های همه گانی آن موارد را پوشش نمیدهند چنان است که وابستگان قربانیان جنگ به علت افسردگی و اضطراب سنگین دفعتاً گرفتار به سکنه قلبی و مغزی شده و از بین میروند و اگر احیاناً زنده هم بمانند مبتلا به بیماریهای

وخیم و صعب العالج میشوند.

حسب گذارشات بدست رسیده حاکی از آن است که آسیب زایی و یا آسیب رسیدگی به وابستگان و متعلقین که در اثر انفجارات انتحاری و بمب گذاری طی سالهای بین (2001) تا (2014) صورت گرفته در حدود (100000) گذارش داده شده که بعداً محکوم بمرگ شده اند.

فاطمه یکی از شهروند کابل هفت سال قبل در اثر یک انفجار انتحاری همسر و فرزند خود را از دست داد و تا دو سال بعد به علت افسردگی و تشویش مبتلا به سرطان شد و بعد از سپری شدن دو سال دیگر چشم از جهان بست. که او یکی از هزاران انسان مبتلا به این سرنوشت وخیم بود که جان خود را از دست داد یعنی که تعداد زیاد از مردم به نسبت مبتلا به اضطراب و تشویش و غم و اندوه از دست رفتگان خویش مبتلا به امراض گوناگون و خیم صعب العالج شده و بعداً از جهان چشم بسته و محکوم بمرگ شده اند.

جمعیت آسیب دیده و یا همین اکنون مواجه به آسیب ناشی از حوادث المناک و غیر قابل تحمل که بر شانه های مردم افغانستان گرنگی میکند این مردم افغانستان هستند که نه تنها در تحت فشار سنگین جنگ زندگی میکنند بلکه در اقیانوس فقر، تنگدستی دست و پا میزنند البته که نه تنها فقر بلکه بیکاری، بیماری های روحی و روانی خشونت، خشونت جنسی، مبتلا به اعتیاد مواد مخدره و نا امنی که ریشه های این همه نابسامانی ها در عمق جامعه افغانی گسترش یافته است مردم افغانستان را دچار ناامیدی و یاس ساخته است بخصوص افسردگی عمیق در افغان ها قابل توجه است: زیرا که آنها برای مشاغل ثانوی از خود بی میلی نشان میدهند و به نسبت بی اشتیاقی به عقب و جلو در حرکت نمی افتند بلکه ترجیح میدهند که در خانه بمانند و خود را در کارهای خانه های شان مصروف سازند.

افغان ها معمولاً بعد از دیدن حوادث تاعثر اور و المناک ناشی از جنگ و خشونت و کسب آگاهی از منافع رسانه های همگانی چشم دید های خود را هنگام شب در خواب می بینند- مثلاً بگونه مثال: یک محصل پوهنتون که باید قبل از همه توجه به مطالعه داشته باشد ولی برعکس در جنگ و مبارزه با اختلالات اجتماعی و جنگی دست به گریبان مییابد و از سوی دیگر اکثر کودکان و نوجوانان یتیم افغان به نسبت که نان آور برای خانواده های خود هستند از درس و تحصیل محرومی مانند و برای بدست آوردن یک لقمه نان خود را در معرض انواع شرارت ها قرار میدهند و با مشکلات عظیم دست و پنجه نرم میکنند.

اکثر کلینیک ها و معاینه خانه های دوکتوران صحت دماغی در کابل و در اکثر مراکز ولایات و شهر های بزرگ کشور به نسبت آنکه این دوکتوران پول زیاد از بیماران مطالبه نمیکند، معاینه خانه های شان با مراجعه مریضان مبتلا به امراض روحی روانی

واختلالات دماغی پر و مملو میگردد همچنان قابل یاد آوری است و آن اینکه شهروندان کابل عادت های عجیب و غریب ناشی از جنگ ها را کسب کرده اند که بعد از تماشای انفجارات انتحاری و بم گذاری های مرگبار تن و جان شان گرم میشو یعنی که ضربان قلب شان بیشتر و سریعتر میشود و در صحنه ای حادثه با یکدیگر با حسن نیت رفیقانه برخلاف زمان قبل برخورد میکنند و چنان مینمایند و یا وانمود میسازند که آنها در همچو لحظات بعد از مرگ و میر بسیاری از همشهریان و هموطنان شان احساس غم شریکی و همدلی می کنند و چنان پنداشته میشود که آنها با ذهنیت های تازه رفیقانه تازه تولد شده باشند. تا جایکه بسیاری از افراد مسن و سالخورده گان تلاش بخرچ میدهند تا در مورد چگونگی حملات مرگبار با همشهریان اندوهگین شان در محل حادثه با زبان نرم و مهربانانه سخن به لب آورند. البته که به نسبت همچو حالات نا امن و ناگوار کل ملت افغانستان از اولیای کشور گله مند و ناراض هستند که چرا افغانستان در آتش جهنم در این عصر انکشافات و دنیای مدرن و در حال توسعه تکنالوژی میسوزند؟ مردم افغانستان در این برهه از زمان بمردمان و به مسولین صادق و پاک نفس احتیاج دارند که آنها را در مورد علل و عوامل و اسرار جنگ جاری معلومات همه جانبه بدهند و بر زخم های شان ملهم گذارند بخصوص توقع آنها از رسانه های اجتماعی و همگانی است که مردم را در آگاهی قرار دهند تا حد اقل که باعث کاهش نگرانی آنها شوند.



در رخداد آسیب پذیری هرچه گسترده تر تازه در کابل که چندی قبل بوقوع پیوست و تعداد از همشهریان کابل را آغشته بخوان نیست و نابود ساخت اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان طی سخنرانی اش در خطاب بمردم افغانستان در مورد اهداف بخاطر شکست دادن تروریسم سخن زد که سخنان او از طرف مردم به « تمسخر و استهزا » بدرقه شد چونکه او در سخنرانی اخیر خود به شورای صلح ادعا کرد که حکومت او حتی ستیزه جویان را به سوراخ های شان باز خواهد گرداند و آنها را شکار و نیست و نابود خواهد کرد احمد سعید یکی از آگاهان امور سیاسی افغان در یک پاسخ جداگانه تلویزیونی به نظرات رئیس جمهور واکنش نشان داده گفت: برای رئیس جمهور ما کافی خواهد بود که اگر حد اقل بتواند جلو بمب گذاری ها و انفجارات انتحاری را در کابل بگیرد و یا

مهار کند؟

در سال (2001) وزارت صحت عامه افغانستان و دفتر نمایندگی سازمان صحتی جهان در کابل نتایج بررسی‌ها و مطالعات خود را منتشر کردند که بر طبق گزارش آنها بیش از (60) درصد از شهروندان افغانستان مبتلا به اختلالات روحی و روانی و دماغی می‌باشند که در پهلوی آن از ناامنی و فقر و تنگدستی و اعتیاد به مواد مخدره نیز رنج میکشند. این فیصدی و نسبت بدست آمده ممکن است که به نصف کاهش یافته باشد چونکه شورشیان تابحال بطور گسترده به و خامت و ناامنی اوضاع به نسبت فصل سرما نه پرداخته اند.

از سوی هم برخی از مشکلات روانی ناشی از بکاربردن و یا استعمال مواد شیمیایی در هر مرحله‌ای از زمان توسط نیروهای نظامی خارجی و بویژه توسط نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان بخصوص از سال (2001) به بعد نیز می‌باشد بخصوص معیوبیت‌های نوتولدان که مادران شان در هنگام حمل به تشعاعات و تابش‌های امواج مضره سلاح‌های شیمیایی در مناطق مختلف افغانستان روبرو شده‌اند بگونه مثال با پرتاب بمب عظیم الجثه بنام (بمب مادری) که توسط امریکایی‌ها در ولایت شرقی ننگرهار افغانستان بالای دیپوها و ذخایر و سنگرهای گروه مربوط به داعشی‌ها (آی اس آی اس) پرتاب گردید که باعث تخریب آن مناطق شد - گزارشات رسیده از پرتاب این بمب مادری حاکی از آن است که به ساکنان آن مناطق اختلالات روانی را بار آورده تا جایکه همه گیاهان آن محل نیز ناشی از تاثیرات سوء این بمب مادری ملوث گردیده و زمین‌های زراعتی آن بخش از کشور دیگر قابل زراعت نمی‌باشد.

جنگ همچنان میتواند که مسول تحقق بی عدالتی، بیسوادی، و بیکاری و عدم انکشاف و توسعه در همه بخش‌های از حیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه باشد و همه تسهیلات دسترسی به صحت و سلامت را از بین ببرد و سرانجام زمینه را برای ایپیدیمی و یا همه گیری به بیماری‌های گوناگون و از جمله تشوشات روحی و دماغی مساعد سازد.

در یک گزارشی که از طرف یک منبع خبر رسانی الجزایره بدست نشر سپرده شده است در آن آمده است که به نسبت وحشتی که در این تازه گیها در شهر کابل در امبولانس انفجار انتحاری صورت گرفت مردم شهر را دچار وحشت ساخت تا جایکه اکنون اکثر باشندگان شهر کابل ادرس مکمل خود را با تلفون خانه و محل کار و نشانی گروه خون خود در یک پارچه کاغذ می نویسند و آنرا در جیب و یا در کیسه جیبی پول خود میگذارند و آنهم بخاطر گرفتن اهما مات در صورتیکه اگر هنگام تصادف و دیدن لطمه بخود شان ضرورت افتد و یا اگر در یک حمله تروریستی جان بیازند تا که فامیل شان زود

مطلع شود .

همراه با پرابلمهای و آسیب های روانشناختی ناشی از درگیری های مسلحانه موضوع قابل بحث مهاجرت و بیجا شدن از خانه و کاشان است ، چنانچه که در سالهای قبل و بعد از سال (2014) بخش بزرگی از جمعیت افغانستان الزاماً از کشورشان خارج شدند که شاید باور کردنی نباشد از اینکه با هر حمله تروریستی خونین خصوصاً در کابل موجب مهاجرت شهریان میشود و ساکنان شهر همه و قته در صدد یافتن راههای امن و فرار از خشونت به مهاجرت می اندیشند . و از سوی دیگر گذارشات میرساند که تعداد از پناهندگان افغان در این روزها توسط دولت المان از جرمنی اخراج میشوند چونکه مقامات المان را عقیده بر این است که در افغانستان تا اندازه ای امنیت منصفانه وجود دارد حالانکه اکثر مردم در بمب گذاری های اخیر زخمی و عده ای هم جان خود را از دست دادند .

باید گفت که افغانستان اکنون دستخوش تجربه تخلیه و یا فرار مغزها (Brain Drain) از نسل جوانان خود است چونکه اکثر جوانان نسل کنونی کشور ب فکر ترک میهن خود هستند و ذهن خود را به نسبت فارغ از حوادث و رویداد های همچو اخیری که در کابل صورت گرفت بخاطر زندگی در خارج از کشور متمرکز ساخته اند .

از سوی دیگر رسانه های افغانستان بیشتر شبیه به روش رسانه های جریان اصلی غرب هستند آنچنانیکه رسانه های غربی در مورد جنایات نا بخشودگی ایالات متحده امریکا و ناتو و متحدان آن کشور خاموش هستند و حقایق را از نظر مردم کتمان میکنند و همه رسانه ها بشمول اخبار و روزنامه ها و تلویزیون ها بگونه ای کور کورانه سلوک و روشهای رسانه های ایالات متحده امریکا و دیگر متحدین آن کشور را در پیش گرفته اند و رسانه های افغان بطور آگاهانه یا نا خواسته گذارش های نا درست و دور از واقعیت را بخاطر در تارتاریکی قرار دادن مخاطبین افغان خود بدست نشر میسپارند که این خود راه را برای ضایعات و تلفات و فرار و مهاجرت های جوانان هموار میسازد .

با اینحال رسانه های افغانی و دولت در هماهنگی با متحدان غربی خود با احتیاط تلاش بخرچ میدهد تا اثرات این تراژیدی ها را از نظر انظار عامه مخفی نگه بدارند .

مگر برای رسانه های همگانی بدست افغان ها و حکومت اکنون نا وقت شده است که بتوانند با تبلیغات ولو راستین خود اعتماد قاطبه مردم افغانستان را مبنی بر تامین و یا آوردن صلح و خشونت زدایی جلب کند .

مایه تاسف و تاءثر در اینجا است که در کنار مزایا و بردن استفاده از رسانه های اجتماعی و برای روشنگری مردم اخبار جعل و نادرست و ناگوار و بیهوده در روزنامه ها و در فیس بوک ها به نشر سپرده میشود که موج جدید از ترس و نا امنی را در اذهان مردم ترزریق و آنها را به تحریک سوق میدهند .

حالانکه مسله اساسی این موضوع این است که آیا رسانه های کشور به جنگ های خونین وارد شده اند و یا درگیرند و یا که باید تصاویر خشونتبار جنگ و ویرانی ها را بطریقی که موجب خشم عموم مردم میشود بخش کنند؟ دولت و رسانه های افغانستان و برخی فعالان ممکن است با گفتن یک (نه) دوم موافق باشند زیرا این امر خود باعث اختلالات روانی و مهاجرت ها میشود که یک پاسخ کاملاً پوچ و میان تهی چیزی دیگری نیست .

در واقع این پیشنهاد و بهانه برای پنهان کردن جنایات جنگی است یعنی با نادیده گرفتن منافع و نشان نه دادن وضعیت واقعی که خود کمکی برای تحریک و مساعد ساختن قربانی برای شورش ، خیزش و جنبش های انتقادی است که در نهایت امر به یک حساب به نفع خود ملت میتواند باشد .

----- **با تقدیم سلامها «2018-02-16»**